

شبکه‌ی اجتماعی و نسل:

تحلیل شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی جوانان و بزرگسالان شهر شیراز

محمدتقی عباسی شوازی^۱، مریم هاشم‌پور صادقیان^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۰۱

چکیده

شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی، به عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر تشکیل دهنده‌ی هر جامعه تغییرات زیادی را تجربه نموده است. پژوهش حاضر با هدف توصیف و تحلیل شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی دو نسل جوان و بزرگسالان و کشف و شناخت تغییرات آن انجام شده است. این مطالعه با روش پیمایش انجام شده و نمونه‌ی مورد مطالعه ۶۰۰ نفر از جوانان ۱۵-۲۹ ساله و بزرگسالان ۴۰-۶۵ ساله شهر شیراز بوده‌اند که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شده‌اند. شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی با استفاده از پرسش‌نامه‌ی سنجش شبکه‌ی اجتماعی در بین دو نسل جوان و بزرگسالان تکمیل گردید. نتایج توصیفی مهم این مطالعه نشان می‌دهد که اندازه‌ی شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی، تراکم شبکه، فراوانی تعاملات و صمیمیت و نزدیکی شبکه‌ی بزرگسالان بیش‌تر از جوانان است. در مقابل، ناهمگنی قومیتی و حمایت اجتماعی دریافت‌شده از شبکه نیز برای جوانان بیش‌تر است. نتایج استنباطی نشان می‌دهد که گرچه آزمون تفاوت کل بعد ساختی، تعاملی و کارکردی شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی جوانان و بزرگسالان معنادار نیست ولی تفاوت برخی از شاخص‌های هر یک از آن‌ها معنادار هستند. در مجموع به نظر می‌رسد که شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی مردم شهر شیراز در حال تغییر به سمت فردگرایی شبکه‌ای است.

واژه‌های کلیدی: شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی؛ بزرگسالان؛ جوانان؛ پیوندهای اجتماعی؛ تحلیل شبکه.

mtabbasi@rose.ac.ir

^۱ استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز (نویسنده‌ی مسوول)

s.mhashempour@rose.ac.ir

^۲ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز

مقدمه و طرح مسأله

یکی از مهم‌ترین عناصری که پایه‌های اجتماع بر آن استوار است، روابط اجتماعی افراد با یکدیگر می‌باشد. هر رابطه‌ی اجتماعی در یک شبکه از روابط اجتماعی قرار دارد. درواقع روابط اجتماعی با ایجاد پیوند و تعامل میان افراد یک جامعه، آن‌ها را به شیوه‌های گوناگون، درون‌شبکه-ای از خویشاوندان و غیر خویشاوندان قرار می‌دهد تا از این طریق ضمن رفع نیازهای خود، زندگی اجتماعی‌شان را شکل دهند و به تبع هر فرد دارای یک شبکه‌ی اجتماعی است.

یکی از زیرمجموعه‌های مهم شبکه‌ی اجتماعی، شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی است. شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی، دربردارنده‌ی اعضای مهم شبکه‌ی اجتماعی هر فرد است (همپتون^۱ و لینگ^۲، ۲۰۱۳؛ چن^۳، ۲۰۱۳؛ مک فرسن^۴ و همکاران، ۲۰۰۶). این شبکه عمدتاً از افرادی تشکیل می‌شود که فرد مسایل مهم خود را با آن‌ها در میان می‌گذارد؛ از آن‌ها حمایت دریافت می‌کند و به‌طور دائمی با آن‌ها تماس دارد (رینی و ولمن، ۲۰۱۲: ۱۳۸-۱۳۶). لذا شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی در مرکز تعاملات فرد قرار می‌گیرد و اثرات مهمی بر زندگی او می‌گذارد. شاید به همین دلیل باشد که طی سه دهه‌ی اخیر، شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی یکی از مهم‌ترین مفاهیم در مطالعات شبکه‌های اجتماعی بوده است (اسمال^۵، ۲۰۱۳).

شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی شامل اشخاصی با نقش‌های اجتماعی بسیار متفاوت می‌شود و تغییر و دگرگونی کمیت و کیفیت آن می‌تواند نقش مهمی را در تغییرات کلان اجتماعی داشته باشد. برخی از افراد، شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی گسترده‌ای دارند؛ درحالی‌که دیگران شبکه‌هایی دارند که به تعداد منتخبی از اشخاص محدود است. این شبکه، برای هر فرد مختصاتی دارد که برگرفته از شرایط خاصی است که در آن قرار دارد؛ از همین رو، شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی و الگوهای حاکم بر روابط آن از اهمیت خاصی برخوردار است. روابطی که فرد با این گروه از شبکه‌ی اجتماعی خود برقرار و حتی نوع حمایت‌هایی که از آن‌ها دریافت می‌کند همگی از موضوعات مهم، قابل‌توجه و نیازمند کنکاش برای شناخت بیش‌تر هستند. چنین بررسی‌هایی نه‌تنها

¹ Hampton

² Ling

³ Chen

⁴ McPherson

⁵ Small

برای خود افراد در سطح خرد جامعه، بلکه برای سیاست‌گذاران و مسوولین و برنامه‌ریزان در سطح کلان نیز می‌تواند مفید فایده واقع شود و بلکه ضرورت دارد. با وجود این، هنوز در ایران تحقیقات جدی و همه‌جانبه‌ای پیرامون شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی و حتی شبکه‌ی اجتماعی افراد صورت نگرفته است. یکی از سؤالات جدی در این حوزه این است که شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی ایرانیان خصوصاً در دو نسل جوان و بزرگسالان چه ویژگی‌هایی دارد؟ دامنه و تنوعات آن و شدت روابط موجود در آن به چه صورت است؟ آیا در طول گذر از نسل بزرگسالان تا جوان تغییراتی داشته است؟

شیراز یکی از شهرهای بزرگ ایران است که به دلیل مهاجرپذیری، از تنوعات قومی و نیز فرهنگ‌های مختلفی برخوردار است. به همین دلیل، مطالعه‌ی شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی دو نسل جوان و بزرگسالان این شهر می‌تواند اطلاعات مهمی را در اختیار محققان این حوزه بگذارد که در سیاست‌گذاری‌ها نیز بسیار اثربخش است.

تحقیق پیش رو در تلاش است تا به بررسی ابعاد ساختاری، تعاملی و کارکردی شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی گروه‌های سنی جوان و بزرگسالان شهر شیراز بپردازد. درواقع این تحقیق درصدد است که ضمن افزایش اطلاعات پیرامون چگونگی شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی، تغییرات بین‌نسلی آن را نیز کاوش کند. تفاوت‌های موجود در شبکه‌ی این دو نسل می‌تواند تا حدی نشان‌دهنده‌ی تغییرات شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی در طول زمان نیز باشد.

در این راستا، اهداف این مطالعه عبارتند از:

ارائهی توصیف و تحلیلی از ابعاد شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی جوانان و بزرگسالان.

کشف و شناخت تغییرات به‌وجودآمده در شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی دو نسل جوان و بزرگسالان.

پیشینه‌ی پژوهش

پژوهش‌های داخلی

باستانی و صالحی هیکویی (۱۳۸۶) در یک مطالعه‌ی پیمایشی، شبکه‌ی اجتماعی ۳۲۰ نفر از افراد ۱۸ سال به بالا را بررسی کرده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که شبکه‌های زنان و مردان از نظر ساخت (اندازه و ترکیب شبکه) تفاوت قابل ملاحظه‌ای ندارند؛ اما از نظر خصوصیات تعاملی و کارکردی متفاوت می‌باشند. زنان انواع زنانه‌تر حمایت (عاطفی) و مردان انواع مردانه‌تر حمایت

(مالی و اطلاعاتی) را فراهم می‌کنند. هم‌چنین، افراد شاغل و متأهل سرمایه‌ی اجتماعی بالاتری دارند.

محمدنیایی بایگی (۱۳۸۶) در پایان‌نامه‌ی خود به بررسی شبکه‌ی اجتماعی ۲۶۸ نفر از دانش‌جویان سال آخر کارشناسی دانش‌گاه مازندران پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که در بعد ساختی، اندازه‌ی شبکه‌ی دانش‌جویان مرد، دانش‌جویان متأهل و دانش‌جویان شاغل بزرگ‌تر از اندازه‌ی شبکه‌ی سایر دانش‌جویان است. در بعد تعاملی، دانش‌جویان با پیوندهای قوی خود بیش‌تر به‌صورت سنتی (حضور و تلفنی) و با پیوندهای ضعیف خود بیش‌تر با وسایل جدید ارتباطی (ایمیل، پیامک) رابطه برقرار می‌کنند. در بعد کارکردی، دانش‌جویان فقط در زمینه‌ی حمایت مالی با هم تفاوت دارند.

عباسی شوازی و همایون (۱۳۹۵) در یک مطالعه‌ی پیمایشی، رابطه‌ی اینترنت و پیوندهای اجتماعی ۴۰۴ دانش‌جوی دانش‌گاه شیراز را با روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای مطالعه کرده‌اند. نتایج حاکی از آن است که پیوندهای شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی، بیش‌تر از نوع پیوندهای قوی است و شبکه‌ی آن‌ها از دامنه‌ی (تنوع) کمی برخوردار است. در مجموع، زنان، افراد متأهل، دانش‌جویان مقطع دکتری و طبقه‌ی متوسط دارای بیش‌ترین پیوندهای قوی به نسبت دیگران هستند.

بابائی و ژاله عبداللهی (۱۳۹۷) در یک مطالعه‌ی پیمایشی به مطالعه‌ی رابطه‌ی پیوندهای اجتماعی غیر رسمی با سلامت روان ۳۱۶ نفر از کارکنان شرکت ایران ترانسفو زنجان پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که دامنه‌ی پیوندها، شدت پیوندها، عرضه‌ی حمایت، دریافت حمایت در شبکه‌ی پیوندهای غیررسمی، جنسیت، سن، تحصیلات، تأهل، تعداد فرزندان و پست سازمانی با سلامت روان رابطه‌ی معناداری دارند. همچنین نتایج نشان‌دهنده‌ی این است که مردان نسبت به زنان از عرضه‌ی حمایت، دریافت حمایت، شدت پیوندها و همچنین دامنه‌ی پیوندهای بیش‌تری برخوردارند.

پژوهش‌های خارجی

فانگ^۱ و همکاران (۲۰۰۱) در مطالعه‌ای پیمایشی ۱۸۵ فرد در محدوده‌ی سنی ۹۴-۱۸ سال از دو گروه قومی را مورد بررسی قرار داده‌اند. یافته‌ها مبین آن است که شبکه‌ی اجتماعی افراد مسن-تر در مقایسه با افراد جوان‌تر، دوستان نزدیک و صمیمی بیش‌تر و دوستان پیرامونی کم‌تری را در-بردارد، علاوه بر این، درصد بالای دوستان پیرامونی جوانان با سطوح پایین شادی آن‌ها مرتبط است.

همپتون و همکاران (۲۰۱۱) یافته‌های پیمایش اجتماعی سراسری آمریکا را که در سال ۲۰۰۸ بر روی ۲۵۱۲ بزرگسالان انجام شده، تحلیل کرده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که با استفاده از فناوری‌های جدید، انزوای اجتماعی افزایش نیافته، اما اندازه‌ی شبکه‌های مرکزی و تعداد افراد غیرخویشاوند در آن‌ها کاهش یافته است. تلفن همراه، رابطه‌ی مثبتی با اندازه و تنوع شبکه دارند؛ رسانه‌های اجتماعی آگاهی فراگیری در شبکه‌های شخصی ایجاد می‌کنند که تخصصی‌شدن پیوندهای نزدیک را افزایش داده و نظارت اعضای شبکه را بالا برده که در نتیجه‌ی آن، تنوع شبکه‌ها افزایش یافته است.

اسمال^۲ (۲۰۱۳) در مطالعه‌ای به بررسی شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی ۲۰۰۰ نفر به‌صورت پیمایش سهمیه‌ای آنلاین پرداخت. نتایج نشان می‌دهد که ۴۵ درصد از شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی، متشکل از افرادی غیر مهم است. افرادی نظیر پزشکان، همکاران، رهبران معنوی که فرد وابستگی عاطفی به آن‌ها ندارد. علت این امر آن است که این افراد به‌عنوان افراد مطلع شناخته می‌شوند و همچنین زمانی که مسایل مهم روی می‌دهد این گروه‌ها در دسترس هستند.

تیوبرگن^۳ (۲۰۱۳) مبتنی بر داده‌های یک مطالعه‌ی طولی که بر روی افراد ۴۵-۱۵ سال در هلند انجام شده، دو مطالعه در خصوص شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی انجام داده است. در پژوهش اول نتایج نشان می‌دهد که هلندی‌ها در مقایسه با ترک‌ها و مراکشی‌ها، شبکه‌های گفت‌وگوی مرکزی بزرگ‌تر و غنی‌تری دارند که علت آن بنا بر بررسی محقق به تحصیلات و مشاغل عالی‌تر هلندی‌ها برمی‌گردد. تیوبرگن (۲۰۱۵) در مطالعه‌ی دوم، پژوهشی انجام داده است. این پژوهش، مبتنی بر داده‌های یک مطالعه‌ی طولی بر روی افراد ۴۵-۱۵ سال در هلند انجام شده است. نتایج نشان می‌-

¹ Fung

² Small

³ Tubergen

دهد که پیوندهای قومیتی در شبکه‌های گفت‌وگوی مرکزی زنان، مهاجران که در کشور دیگری متولد شده‌اند، ساکنان مناطق مهاجرپذیر و افرادی که فرهنگشان نزدیک به فرهنگ هلندی است، قوی‌تر است.

اسمال و همکاران (۲۰۱۵) در مطالعه‌ی دیگری با تعدادی از دانش‌جویان سال اول در رشته‌های مختلف، مصاحبه‌ی نیمه‌ساختاریافته انجام داده‌اند تا میزان پایداری و ثبات شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی آن‌ها را در طول ۶ ماه تا یک سال اول ورود به دانشگاه مطالعه کنند. نتایج نشان می‌دهد که شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی افراد دیر یا زود به‌طور چشمگیری تغییر می‌کند. علت این امر آن است که محیط‌های نهادی جدید که افراد وارد آن می‌شوند، تعهدات و فعالیت‌های معمول آن‌ها را تغییر می‌دهند.

چنگ^۱ و همکاران (۲۰۱۵) با استفاده از روش پیمایش تلفنی تفاوت‌های سنی در اندازه و ساخت شبکه‌های فیس‌بوک را در میان ۱۰۰۰ کاربر شبکه‌ی اجتماعی فیس‌بوک در محدوده‌ی سنی ۱۸-۹۳ سال مورد بررسی قرار داده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که شبکه‌ی دوستان بزرگسالانان مسن‌تر دربرگیرنده‌ی تعداد افراد کم‌تری است؛ اما نسبت بالاتری از دوستان آن‌ها در فضای واقعی (آفلاین) نیز با آن‌ها دوست هستند و این نسبت بالا با سطوح پایین‌تر انزوای اجتماعی و تنهایی مرتبط می‌باشد.

دولاپوسامفان و دوپسو^۲ (۲۰۲۰) در مطالعه‌ای به بررسی اثر سرمایه‌ی اجتماعی خانوادگی و همسایگی بر سلامت روان ۲۳۰۷ جوان ۱۵-۲۴ سال در آفریقای جنوبی پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی بیش از سرمایه‌ی اجتماعی خانوادگی بر سلامت روان جوانان اثر دارد و مانع افسردگی آن‌ها می‌شود.

با مروری بر مطالعات انجام‌شده در حوزه‌ی روابط و شبکه‌ی اجتماعی می‌توان دریافت که مطالعات انجام‌شده در سایر کشورها بیش‌تر به مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی و شبکه‌ی اجتماعی کم‌تر به مفهوم شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی پرداخته‌اند و در ایران نیز کم‌تر مطالعاتی است که به‌طور خاص، شبکه‌ی اجتماعی^۳ افراد را در مرکز توجه قرار داده باشند؛ لذا شبکه‌ی گفت‌وگوی

^۱ Chang

^۲ Dolapo Somefun, Simo Fotso

^۳ Social network

مرکزی یک حوزه‌ی تحقیقاتی ناشناخته باقی مانده است. مطالعاتی که به طور خاص بر روی شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی انجام شده نیز از زوایای متفاوتی به آن پرداخته‌اند؛ اما هیچ‌یک تحلیلی جامع از شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی و حتی مقایسه‌ی بین نسلی ارائه نکرده‌اند. مطالعه‌ی حاضر درصدد است تا این شکاف را در مطالعات حوزه‌ی شبکه‌ی اجتماعی در ایران تکمیل کند.

چارچوب نظری پژوهش

بری ولمن^۱ از جمله نظریه‌پردازان معاصر شبکه است. او به‌عنوان یکی از نظریه‌پردازانی محسوب می‌شود که نقش مهمی در تعمیق نظریه‌ی تحلیل شبکه داشته است. در مطالعه‌ی حاضر، نظریه‌ی ولمن به‌عنوان مبنای چارچوب نظری در نظر گرفته شده است. پیش‌فرض اساسی حاکم بر نظریه‌ی ولمن این است که تحولات بعد از صنعتی‌شدن، روابط اجتماعی محدود به گروه را به روابط شبکه‌ای تبدیل نموده است.

ولمن معتقد است که جوامع در دوران مدرن، وارد مرحله‌ی جدیدی شده‌اند که الگوی اجتماع شخص به شخص در آن تحقق می‌یابد. امروزه پیوندهای اجتماعی از پیوندهای محلی و متراکم به پیوندهای دور از هم و پراکنده در حال تغییر است. از این رو، اجتماع همانند گذشته مجموعه‌ای از همسایگان و دهکده‌های گروه‌مانند نیست. بلکه اجتماع به‌عنوان شبکه‌ی پیوندهای بین‌شخصی تعریف می‌شود (ولمن و همکاران، ۲۰۰۲: ۱۵۳). در این شرایط، این فرد است و نه خانوار یا گروه که واحد اولیه‌ی ارتباط است (همان: ۱۶۰). این تغییرات را ولمن با اصطلاحی تحت عنوان "فردگرایی شبکه‌ای"^۲ توصیف می‌کند. فردگرایی شبکه‌ای، حالتی است که طی آن فرد ضمن این-که در درون شبکه‌ای از تعاملات قرار دارد ولی به‌صورت فردی انتخاب می‌کند که با چه بخشی از شبکه‌اش و در چه زمان و مکانی و به چه صورتی ارتباط داشته باشد. طبق نظریه‌ی ولمن، تغییرات شبکه‌ی اجتماعی در عصر حاضر را می‌توانیم به ۳ دسته‌ی تغییرات ساختی، تعاملی و کارکردی تقسیم کنیم:

تغییرات ساختی شبکه: به اعتقاد ولمن ارتباط شخصی و سیال، روابط را به سمت شبکه‌های فردی شخص به شخص سوق داده است. این روابط در شبکه‌هایی گسترده و بزرگ صورت می‌گیرد؛ چراکه امروزه در وضعیت فردگرایی شبکه‌ای، هر شخص به‌جای متصل‌بودن به گروه‌های

^۱ Barry Wellman

^۲ Networked Individualism

یکسان، شبکه‌ی شخصی خودش را دارد. هر شخص در نقش‌های متعددی در خانه، با دوستان و خویشاوندان و در محل کار یا مدرسه درگیر است و در قالب شبکه‌های شخص به شخص با دیگران ارتباط برقرار می‌کند (ولمن، ۲۰۰۲: ۱۰). این امر مسیر زندگی اجتماعی افراد را از خانواده-ی عمیقاً درهم‌بافته، محله و روابط گروهی به سمت شبکه‌های فردی متنوع، کم‌استحکام و پراکنده تغییر داده است. به همین دلیل است که افراد جامعه در شبکه‌هایی با هم تعامل می‌کنند که بسیار بزرگ و متنوع هستند (رینی و ولمن، ۲۰۱۲: ۹) و بسیاری از افرادی که با آنها سروکار دارند، یکدیگر را نمی‌شناسند (ولمن و همکاران، ۲۰۰۲: ۱۵۳).

در جوامع شبکه‌ای، مرزهای درون‌شبکه‌ی روابط افراد نیز نفوذپذیرتر هستند، ارتباطات بین چندین شبکه در تغییر است، سلسله‌مراتب کم‌تر و منعطف‌تری وجود دارد و تعاملات با افراد متنوعی از گروه‌های دینی، قومی، جنسیتی و شغلی برقرار می‌شود (ولمن و همکاران، ۲۰۰۲: ۱۵۳). همین امر، باعث سست‌شدن مرزهای دینی، شغلی و قومی نیز عاملیت آزاد بین فردی^۱ می‌شود- (همان: ۱۲۳). پس در قالب چند قضیه می‌توان گفت که بُعد ساختی شبکه‌ی اجتماعی افراد در شرایط حاضر، گسترده‌تر است، تنوعات آن به لحاظ گروه‌های در رابطه مثل دوستان بیش‌تر شده و ناهمگنی قومیتی و جنسیتی نیز در آنها زیاد است و پراکندگی زیادی دارد؛ به‌گونه‌ای که افراد درون شبکه معمولاً یکدیگر را نمی‌شناسند. اما در مقابل، قوت پیوندهای درون‌شبکه‌ی آنها ضعیف‌تر است. متناظر با نظر ولمن امروزه افراد، بیش‌تر در معرض این تغییر شبکه‌ی اجتماعی هستند.

تغییرات تعاملی شبکه: در قالب چند قضیه می‌توان گفت که از منظر بُعد تعاملی نیز با اینکه تعاملات درون‌شبکه‌ی افراد بیش‌تر شده است، اما به دلیل گمنامی موجود در روابط و گسترده‌بودن آن، صمیمیت و نزدیکی روابط موجود در شبکه کم‌تر شده است. افراد می‌توانند هر روز با هم در تماس باشند؛ اما عمل صمیمیت‌های آنان به دلیل گسترش فردگرایی کاهش می‌یابد.

تغییرات کارکردی شبکه: از سوی دیگر تغییرات عمیق این عصر منجر به گسترده‌ترشدن، متنوع‌ترشدن و البته فردی‌ترشدن شبکه می‌شود و از جمله تبعات فردی‌شدن نیز دریافت حمایت-های اجتماعی گسترده‌تر از سوی گروه‌های گوناگونی، به‌جز خویشاوندان، همچون گروه‌های

^۱ Interpersonal free agency

اجتماعی دوستان و همکاران است. از این رو افراد در مرکز شبکه‌های شخصی خود قرار می‌گیرند و بدین صورت خود فرد تعیین می‌کند که بر مبنای میزان حمایت‌هایی که از افراد شبکه‌اش دریافت می‌کند مجموعه‌ی متنوعی از شبکه‌ها داشته باشد (همان: ۱۲۴). از این رو میزان حمایتی که فرد از گروه‌های درون شبکه‌ی خود دریافت می‌کند، تغییر می‌کند و به همین دلیل شبکه‌ی افراد از منظر حمایت‌های دریافتی نیز دگرگون می‌شود. پس تغییرات کارکردی شبکه، در قالب تغییراتی در نوع و میزان حمایت دریافتی افراد از اعضای شبکه است.

افراد بسته به این که به کدام یک از الگوهای اجتماع شخصی که پیش از این ذکر شد تعلق داشته باشند، شبکه‌ی اجتماعی متفاوتی نیز خواهند داشت. افراد یک جامعه هرچه بیش‌تر به سمت مدرن شدن پیش رفته باشند، طبیعتاً تغییرات ساختی، تعاملی و کارکردی شبکه در دوران مدرن را بیش‌تر تجربه می‌کنند. ایران نیز از جمله جوامعی است که در حال تجربه‌ی تغییرات مدرن شدن است و این تغییرات، بر شبکه‌ی اجتماعی افراد اثراتی گذاشته است. مطالعه‌ی حاضر بر آن است تا ویژگی‌های سه بعد ساختی، تعاملی و کارکردی شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی افراد را بررسی کند و در این مسیر، نسل، به عنوان یک عامل مهم در تفکیک افراد مطالعه در نظر گرفته شده است؛ چراکه طبق نظر ولمن، افراد یک جامعه، بسته به این که به چه نسلی تعلق دارند، نوع شبکه‌ی متفاوتی از جعبه‌ی کوچک تا فردگرایی شبکه‌ای خواهند داشت. از این رو بر طبق چارچوب نظری ارائه شده از سوی ولمن که شرح آن گذشت، به نظر می‌رسد بتوان تفاوت‌های معناداری را بین شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی دو نسل جوان و بزرگسالان مشاهده کرد و البته این تفاوت‌ها در ابعاد ساختی، تعاملی و کارکردی ممکن است در سطوح متفاوتی ملاحظه شوند.

فرضیه‌ی اصلی حاضر عبارتند از:

شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی دو نسل جوان و بزرگسالان تفاوت معناداری دارد.

فرضیات فرعی:

شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی دو نسل جوان و بزرگسالان بر حسب بعد ساختی تفاوت معناداری دارد.

شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی دو نسل جوان و بزرگسالان بر حسب بعد تعاملی تفاوت معناداری دارد.

شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی دو نسل جوان و بزرگسالان بر حسب بعد کارکردی تفاوت معناداری دارد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر مبتنی بر رهیافت کمی و با استفاده از روش پیمایش^۱ به انجام رسیده است. جامعه‌ی آماری در این پژوهش جوانان ۱۵-۲۹ سال و بزرگسالان ۶۹-۴۰ سال شهر شیراز می- باشند. جمعیت این گروه‌های سنی بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰، به ترتیب ۴۹۷۷۸۲ نفر و ۴۲۳۸۴۳ نفر^۲ است. حجم نمونه‌ی مورد بررسی بر اساس جدول لین^۳ (لین، ۱۹۷۸) با ضریب خطای ۴ درصد، ۶۰۰ نفر تعیین شد و از شیوه‌ی نمونه‌گیری چندمرحله‌ای تصادفی^۴ استفاده شده است. ابتدا شهر شیراز را به مناطق ۱۰ گانه تقسیم نمودیم. سپس از هر منطقه، بلوک‌هایی را به‌طور تصادفی انتخاب کرده و در نهایت به‌صورت تصادفی در هر بلوک شهری افرادی به‌طور مساوی از دو نسل جوان و بزرگسالان انتخاب شده‌اند. ابزار گردآوری داده‌ها نیز در این مطالعه پرسش‌نامه بوده است. اعتبار پرسش‌نامه مبتنی بر اعتبار صوری مورد تأیید قرار گرفته و پایایی آن نیز بر مبنای مطالعات متعدد و متنوع داخلی و خارجی مورد تأیید است (ولمن و همکاران، ۲۰۰۶؛ اسرائیل، ۱۹۷۸؛ باستانی و صالحی هیکویی، ۱۳۸۶ و باستانی، ۱۳۸۷ و ۲۰۰۱).

متغیرها و مقیاس‌های سنجش

در ابتدا مقیاس‌هایی که تاکنون برای سنجش شبکه، طراحی و مورد استفاده قرار گرفته بود، بررسی و ملاحظه شد که این مطالعات سه بعد ساختی، تعاملی و کارکردی برای شبکه در نظر گرفته‌اند که البته در برخی مطالعات هر سه بعد (اسرائیل، ۱۹۷۸؛ باستانی و صالحی هیکویی، ۱۳۸۶؛ باستانی، ۱۳۸۷ و ۲۰۰۱) و در برخی مطالعات تنها بعضی از آن‌ها سنجیده شده است (ولمن و همکاران، ۲۰۰۶). در نهایت بر مبنای مطالعات ولمن و همکاران (۲۰۰۶) و اسرائیل (۱۹۷۸)، مقیاس سنجشی برای سنجش شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی آماده شد. شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی دارای سه بعد ساختی، تعاملی و کارکردی است که همراه با شاخص‌های هر بعد در ادامه ارائه می‌شود.

^۱ Survey

^۲ براساس آمار ارائه‌شده‌ی سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ برگرفته از سازمان ملی آمار.

^۳ Lin

^۴ multi stage random sampling

بُعد ساختی

اندازه‌ی^۱ شبکه‌ی اجتماعی: برای سنجش این متغیر، چک لیستی شامل ۱۰ سؤال تهیه شد و پرسش‌گر با پرسیدن آن سؤالات، به پاسخ‌گو کمک می‌کرد تا بتواند تعداد افرادی را که با آن‌ها تماس دائمی دارد، مسایل مهم خود را با آن‌ها در میان می‌گذارد و از آن‌ها حمایت دریافت می‌کند، به یاد بیاورد. به دنبال آن، پاسخ‌دهندگان افرادی را که با آن‌ها در تماس بودند، در ۹ گروه طبقه‌بندی کردند: افراد درون منزل، اعضای نزدیک خانواده، سایر خویشاوندان، دوستان، همسایگان، همکاران/هم‌دانش‌گاهی‌ها، دوستان مجازی، افرادی در سازمان‌ها و تشکلات و سایر افراد. "دوستان آنلاین" در این مطالعه به افرادی گفته می‌شود که در فضای مجازی با شرکت‌کنندگان آشنا شده‌اند و پاسخ‌دهندگان را به‌طور حضوری ملاقات نکرده‌اند. در نسخه‌های پرسش‌نامه نیز به همین تعریف اشاره شد. مطمئناً در دنیای اجتماعی ممکن است درجه‌ای از همپوشانی این دسته‌ها وجود داشته باشد، اما نحوه‌ی دسته‌بندی مشخص اعضای شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی، تصمیمی بود که توسط شرکت‌کنندگان گرفته شد.

ناهمگنی جنسیتی^۲: میزانی است که افراد غیر هم‌جنس در شبکه‌ی فرد قرار دارند. این متغیر با این سؤال که «چند نفر از افراد درون شبکه‌ی شما زن و چند نفر مرد هستند؟» سنجیده شده است و سپس با تقسیم تعداد افراد غیر هم‌جنس به کل تعداد افراد درون شبکه‌ی فرد، به میزان ناهمگنی جنسیتی موجود در شبکه‌ی او رسیده‌ایم. این میزان از ۰ تا ۱۰۰ متغیر است. ۰ نشان‌دهنده‌ی عدم وجود ناهمگنی و ۱۰۰ نشان‌دهنده‌ی ناهمگنی کامل است.

ناهمگنی قومیتی^۳: میزانی که افراد غیر هم‌قومیت در شبکه‌ی فرد قرار دارند. این متغیر با این سؤال که «چند نفر از افراد درون شبکه‌ی شما در قومیت‌های ترک، فارس، عرب، لر و ... قرار دارند؟» سنجیده شده است و سپس با تقسیم تعداد افراد غیر هم‌جنس به کل تعداد افراد درون شبکه‌ی فرد، به میزان ناهمگنی قومیتی موجود در شبکه‌ی او رسیده‌ایم. این میزان از ۰ تا ۱۰۰ متغیر است. ۰ نشان‌دهنده‌ی عدم وجود ناهمگنی و ۱۰۰ نشان‌دهنده‌ی ناهمگنی کامل است.

¹ Size

² Gender Heterogeneity

³ Ethnic Heterogeneity

تراکم شبکه^۱: بیانگر تعداد افرادی است که درون شبکه‌ی اجتماعی یک فرد قرار دارند و خودشان یکدیگر را می‌شناسند. این متغیر به‌صورت فاصله‌ای و با این سؤال که «چند نفر از افراد درون شبکه‌ی شما یکدیگر را می‌شناسند؟» سنجیده شد.

درنهایت متغیر بعد ساختی شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی (کل) حاصل جمع ابعاد ۴ گانه در نظر گرفته شده (اندازه‌ی شبکه، تراکم شبکه، ناهمگنی قومی و جنسیتی) برای این متغیر بوده است که همگی فاصله‌ای بوده و دارای مبنای سنجش یکسان هستند (نگاه کنید به جدول شماره‌ی ۶).

بعد تعاملی

فراوانی تعاملات^۲: منظور، میزان تماس‌های افراد درون شبکه با یکدیگر است. جهت سنجش این متغیر از سؤال «با هر یک از افراد درون شبکه‌ی خود هر چند وقت یک‌بار در تماس هستید؟» استفاده شد. پاسخ‌گویان باید یکی از این ۵ گزینه را انتخاب می‌کردند: (۱) هر روز، (۲) چندبار در هفته، (۳) یک بار در هفته، (۴) یک بار در ماه، (۵) یک بار در سال. درنهایت همه‌ی پاسخ‌ها جمع و میانگین آن‌ها محاسبه شد.

نزدیکی و صمیمیت^۳: میزان صمیمیت فرد با اعضای درون شبکه را می‌سنجد. منظور، میزان تماس‌های افراد درون شبکه با یکدیگر است. جهت سنجش این متغیر از سؤال «با هر یک از افراد درون شبکه‌ی خود چقدر احساس نزدیکی و صمیمیت می‌کنید؟» استفاده شد. پاسخ‌گویان باید یکی از این ۵ گزینه را انتخاب می‌کردند: (۱) خیلی نزدیک و صمیمی، (۲) کمی صمیمی، (۳) متوسط، (۴) کمی دور، (۵) بسیار دور. درنهایت همه‌ی پاسخ‌ها جمع و میانگین آن‌ها محاسبه شد (نگاه کنید به جدول شماره‌ی ۷).

بعد کارکردی

میزان حمایت دریافت‌شده از شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی^۴: این متغیر بیانگر مجموع حمایت‌های شغلی، مراقبتی، اطلاعاتی و عاطفی است که فرد از هر یک از گروه‌های موجود در شبکه‌ی

^۱ density

^۲ frequency of intractions

^۳ closeness

^۴ social support received

گفت‌وگوی مرکزی خود دریافت می‌نماید. پاسخ‌گو باید تعیین می‌کرد که هر یک از این حمایت‌ها را از کدام یک از گروه‌های ۹ گانه‌ی مذکور دریافت کرده است و درنهایت با جمع نمرات هر فرد، میزان حمایت دریافتی محاسبه شد (نگاه کنید به جدول شماره‌ی ۸).

یافته‌های توصیفی پژوهش

جامعه‌ی آماری در این تحقیق، افراد دو نسل جوان (۱۵-۲۹ سال) و بزرگسالان (۴۰-۶۵ سال) شهر شیراز بوده‌اند. تعداد افرادی که در هریک از دو نسل قرار دارند به‌طور مساوی ۳۰۰ نفر از هر نسل بوده‌اند. بیش‌ترین درصد وضعیت تأهل پاسخ‌گویان جوان با ۶۷ درصد در گروه افراد مجرد و بیش‌ترین درصد وضعیت تأهل پاسخ‌گویان بزرگسالان با ۸۴ درصد در گروه افراد متأهل قرار داشته‌اند. سطح تحصیلات جوانان نمونه‌ی مورد مطالعه بیش‌تر از بزرگسالان بوده است. درحالی‌که نیمی (۵۰ درصد) از جوانان دارای تحصیلات دانش‌گاهی بوده‌اند؛ تنها یک سوم (۲۹/۷ درصد) از بزرگسالان تحصیلات دانش‌گاهی داشتند. از نظر نوع شغل، بیش‌تر پاسخ‌گویان جوان، ۳۵/۳ درصد، در حال تحصیل بوده‌اند. همچنین بیش‌ترین درصد نوع شغل بزرگسالان به خانه-داری تعلق گرفته که برابر با ۴۲/۳ درصد می‌باشد. از نظر احساس طبقاتی، بیش‌ترین درصد پاسخ-گویان جوان و بزرگسالان، خود را در طبقه‌ی متوسط ارزیابی کرده‌اند که این گروه به ترتیب ۸۱ درصد و ۷۳ درصد را تشکیل می‌دهند. درصد بالایی از پاسخ‌گویان مطالعه‌ی حاضر بدون درآمد هستند که البته این میزان برای پاسخ‌گویان جوان به دلیل آن‌که اکثراً در حال تحصیل هستند، بیش از بزرگسالان بوده است؛ در مجموع، سطح درآمد بزرگسالان بالاتر از جوانان بوده است؛ این امر ریشه در این دارد که جوانان ۲۹-۱۵ ساله کم‌تر از بزرگسالان ۶۵-۴۰ ساله در مشاغل ثابت و پایدار و همچنین با درآمد بالا مشغول به کار هستند.

اندازه‌ی شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی: اندازه‌ی شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی جوانان و بزرگسالان از ۰ تا ۲۴ متغیر است. میانگین اندازه‌ی شبکه‌ی جوانان ۷/۷۳ و میانگین اندازه‌ی شبکه‌ی بزرگسالان ۷/۹۷ می‌باشد؛ از این رو شبکه‌ی اجتماعی جوانان کوچک‌تر از بزرگسالان است. بیش‌ترین درصد اندازه‌ی شبکه‌ی اجتماعی جوانان و بزرگسالان در فاصله‌ی ۶ تا ۱۰ است. ۴۵/۶ درصد از جوانان و ۴۰ درصد از بزرگسالان در این دسته و بعد از آن، بیش‌ترین درصد در فاصله‌ی ۱ تا ۵ قرار دارند (جدول ۱).

جدول شماره‌ی یک- درصد اندازه‌ی شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی به تفکیک نسل

کل	نسل		اندازه‌ی شبکه
	بزرگسالان	جوان	
۰/۸	۰/۷	۱	۰
۳۵/۹	۳۷	۳۵	۵-۱
۴۲/۸	۴۰	۴۵/۶	۱۰-۶
۱۲/۷	۱۴/۴	۱۱	۱۵-۱۱
۳/۳	۳/۶	۳/۱	۲۰-۱۶
۴/۳	۴/۳	۴/۴	۲۵-۲۱
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع

جوانان: میانگین: ۷/۷۳ کم‌ترین: ۰ بیش‌ترین: ۲۴

بزرگسالان: میانگین: ۷/۹۷ کم‌ترین: ۰ بیش‌ترین: ۲۴

تراکم شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی: بیش‌ترین تراکم در سطح ۱۰-۱ نفر است. ۸۶/۵ درصد از جوانان و ۸۵/۲ درصد از بزرگسالان در این گروه قرار دارند. دامنه‌ی تغییرات تراکم شبکه‌ی اجتماعی جوانان و بزرگسالان از ۰ تا ۲۱ متغیر است (جدول ۲).

جدول شماره‌ی دو- توزیع درصد تراکم شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی به تفکیک نسل

کل	نسل		تراکم شبکه
	بزرگسالان	جوان	
۳/۳	۲/۳	۴/۳	۰
۴۶/۷	۴۶/۳	۴۷	۵-۱
۳۹/۱	۳۸/۹	۳۹	۱۰-۶
۷/۵	۷/۶	۷/۳	۱۵-۱۱
۳/۶	۴/۶	۲/۳	۱۶ به بالا
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع

جوانان: میانگین: ۶/۰۷ کم‌ترین: ۰ بیش‌ترین: ۲۱

بزرگسالان: میانگین: ۶/۶۹ کم‌ترین: ۰ بیش‌ترین: ۲۱

ناهمگنی جنسیتی در شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی: جدول ۳ نشان‌دهنده‌ی توزیع فراوانی و درصد ناهمگنی جنسیتی است. مطابق با نظریه‌ی ولمن، به منظور بررسی ابعاد شبکه‌ی اجتماعی، ۲۸ نفر از افراد در این بخش حذف می‌شوند. البته برخی از آن‌ها به‌طور کلی کسی را در شبکه‌ی خود ندارند و برخی نیز افرادی که در شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی خود دارند، صرفاً افراد درون منزل هستند و از این رو اطلاعات ۵۷۲ نفر ارائه می‌شود. همچنین، از این بخش اطلاعات صرفاً در مورد ۱۰ نفر اولی که در شبکه‌ی فرد قرار دارند ارائه می‌شود. جهت بررسی شبکه‌ی اجتماعی محققان عموماً با سنجش ۱۰ نفر اول در شبکه به توصیف شبکه‌ی اجتماعی افراد می‌پردازند.

همچنان‌که می‌بینیم بیش‌ترین درصد جوانان (۳۵/۴ درصد) و بیش‌ترین درصد بزرگسالان (۲۷/۵ درصد) در شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی خود ناهمگنی جنسیتی ندارند. در بین افرادی که در شبکه‌ی خود ناهمگنی جنسیتی دارند، بیش‌ترین ناهمگنی به میزان ۴۰-۲۱ است. همان‌طور که می‌بینیم، میزان ناهمگنی ۰ برای بزرگسالان کم‌تر از جوانان بوده است و در مقابل ناهمگنی کامل نیز در شبکه‌ی تعداد بیش‌تری از بزرگسالان مشاهده می‌شود. میانگین ناهمگنی جنسیتی شبکه نیز نشان می‌دهد که میانگین ناهمگنی بزرگسالان ۴/۹۸ بیش‌تر از جوانان است.

جدول شماره‌ی سه- توزیع درصد ناهمگنی جنسیتی در شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی به تفکیک نسل

کل	نسل		ناهمگنی جنسیتی
	بزرگسالان	جوان	
۳۱/۵	۲۷/۵	۳۵/۴	۰
۱۲/۸	۱۳/۴	۸/۳	۲۰-۱
۲۵/۹	۲۳/۲	۲۸/۵	۴۰-۲۱
۱۸/۲	۱۹/۷	۱۶/۷	۶۰-۴۱
۷/۷	۸/۸	۶/۶	۹۹-۶۱
۵/۹	۷/۴	۴/۵	۱۰۰
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع

جوانان: میانگین: ۲۸/۲۸ کم‌ترین: ۰ بیش‌ترین: ۱۰۰

بزرگسالان: میانگین: ۳۳/۲۶ کم‌ترین: ۰ بیش‌ترین: ۱۰۰

ناهمگنی قومیتی در شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی: میزان ناهمگنی قومیتی در بین نسل جوان و بزرگسالان زیاد نیست. در مجموع، ۲۰/۵ درصد از جوانان و ۸/۱ درصد از بزرگسالان در شبکه‌ی

اجتماعی، به لحاظ قومیت، ناهمگنی دارند که از این میزان، شبکه‌ی ۸/۳ درصد از جوانان و ۱/۸ درصد از شبکه‌ی بزرگسالانان، کاملاً ناهمگن است و هیچ یک از افرادی که در شبکه‌ی گفت-وگوی مرکزی خود دارند با آن‌ها هم‌قومیت نیستند. میانگین ناهمگنی برای جوانان بیش‌تر از بزرگسالانان است (جدول ۴).

جدول شماره‌ی چهار- توزیع درصد ناهمگنی قومیتی در شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی به تفکیک نسل

کل	نسل		ناهمگنی قومیتی
	بزرگسالان	جوان	
۸۵/۷	۹۱/۹	۷۹/۵	۰
۳/۳	۲/۱	۴/۵	۲۰-۱
۲/۸	۱/۴	۴/۲	۴۰-۲۱
۳	۲/۹	۳/۴	۹۹-۴۱
۵/۱	۱/۸	۸/۳	۱۰۰
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع

جوانان: میانگین: ۱۲/۳۸ کم‌ترین: ۰ بیش‌ترین: ۱۰۰

بزرگسالانان: میانگین: ۴/۱۵ کم‌ترین: ۰ بیش‌ترین: ۱۰۰

فراوانی تعاملات در شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی: فراوانی تعاملات در شبکه در قالب ۵ گروه از «هر روز» تا «سالی یک‌بار» دسته‌بندی شده است. فراوانی تعاملات بزرگسالانان با میانگین ۱۱/۶ بیش‌تر از بزرگسالانان است. دامنه‌ی تغییرات فراوانی تعاملات برای جوانان از ۰ تا ۴۲ متغیر است که بیش‌تر از بزرگسالانان می‌باشد.

صمیمیت و نزدیکی در شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی: صمیمیت و نزدیکی در شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی در قالب ۵ گروه از «بسیار نزدیک و صمیمی» تا «بسیار دور و غیر صمیمی» دسته‌بندی شده است. صمیمیت و نزدیکی جوانان با میانگین ۷/۹۸ بیش‌تر از بزرگسالانان است. دامنه‌ی تغییرات صمیمیت و نزدیکی برای بزرگسالانان از ۰ تا ۳۳ متغیر است که بیش‌تر از جوانان می‌باشد. افرادی که به‌عنوان بسیار دور و غیر صمیمی در نظر گرفته شده‌اند، بسیار کم هستند و این حاکی از این است که صمیمیت یکی از خصیصه‌های شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی افراد است.

میزان حمایت اجتماعی دریافت‌شده از شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی: در مجموع، جوانان «از افرادی که در منزل هستند»، «دوستان»، «همسایگان»، «همکاران»، «دوستان مجازی»، «افراد سازمان-

ها» و «سایرین» بیش از بزرگسالان حمایت دریافت می‌کنند و بزرگسالان تنها از «اعضای نزدیک خانواده» و «سایر خویشاوندان» حمایت بیش‌تری دریافت می‌کنند. به همین دلیل، حمایت اجتماعی دریافت‌شده از سوی جوانان بیش‌تر از بزرگسالان است (جدول ۵).

جدول شماره‌ی پنج- توزیع درصد حمایت اجتماعی دریافت‌شده از شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی به تفکیک نسل

نسل		پایین		متوسط		بالا	
حمایت دریافت‌شده		جوان	بزرگسالان	حمایت دریافت‌شده جوان	بزرگسالان	جوان	بزرگسالان
افرادی که در منزل هستند		۱۷	۲۰/۳	۶۶/۳	۶۴	۱۶/۷	۱۵/۷
اعضای نزدیک خانواده		۳۲/۳	۲۹/۷	۴۵	۴۴/۳	۲۲/۷	۲۶
سایر خویشاوندان		۰	۰	۸۵/۳	۸۹/۳	۱۴/۷	۱۰/۷
دوستان		۰	۰	۷۱/۳	۸۷/۳	۲۸/۷	۱۲/۷
همسایگان		۰	۰	۸۹/۳	۹۴	۱۰/۷	۶
همکاران		۰	۰	۸۷/۳	۱۲/۷	۹۲/۳	۷/۷
دوستان مجازی		۰	۰	۸۵/۷	۹۱/۷	۱۴/۳	۸/۳
افرادی در سازمان‌ها		۰	۰	۷۳	۲۷	۷۶	۲۴
سایرین		۰	۰	۷۷	۲۳	۸۰/۳	۱۹/۷

جوانان: میانگین: ۹/۰۲ کم‌ترین: ۰ بیش‌ترین: ۳۱

بزرگسالان: میانگین: ۷/۷۷ کم‌ترین: ۰ بیش‌ترین: ۲۸

یافته‌های استنباطی پژوهش

آزمون تی مستقل^۱ برای تعداد اعضای نزدیک خانواده با مقدار ($T = -۵/۳۵$; $P < ۰/۰۰۱$) نشان می‌دهد که تفاوت میانگین نمرات جوانان ($M = ۱/۶۳$) و بزرگسالان ($M = ۲/۶۸$) به لحاظ آماری معنادار است. همچنین، آزمون تی برای تعداد دوستان موجود در شبکه با مقدار ($T = ۲/۲۶$; $P < ۰/۰۵$) نشان می‌دهد که تفاوت میانگین نمرات جوانان ($M = ۱/۸۱$) و بزرگسالان ($M = ۱/۳۵$) نیز به لحاظ آماری معنادار است. تفاوت میانگین ۷ گروه باقی‌مانده معنادار نمی‌باشد.

^۱Independent-Sampe T.test

آزمون تی برای ناهمگنی جنسیتی با مقدار ($T = -2/064$; $P < 0/05$) نشان می‌دهد که تفاوت میانگین‌های جوانان ($M = 28/28$) و بزرگسالان ($M = 33/26$) معنادار است و نشان می‌دهد که ناهمگنی جنسیتی بزرگسالان بیش‌تر از جوانان است. آزمون تی برای ناهمگنی قومیتی با مقدار ($T = 4/10$; $P < 0/001$) نشان می‌دهد که تفاوت میانگین‌های جوانان ($M = 12/38$) و بزرگسالان ($M = 4/15$) به لحاظ آماری معنادار است. آزمون تی برای تراکم شبکه با مقدار ($T = -1/919$; $P < 0/05$) نشان می‌دهد که تفاوت میانگین‌های جوانان ($M = 6/07$) و بزرگسالان ($M = 6/69$) به لحاظ آماری نزدیک به سطح معنادار است (جدول ۶).

جدول شماره‌ی شش- آزمون تفاوت شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی (بعد ساختی) بر حسب نسل

سطح	T مقدار	میانگین		بعد ساختی	
		بزرگسالان	جوان	نسل	
۰/۱۱۸	۱/۵۶۴	۲/۰۴	۲/۲۵	افراد درون یک منزل	اندازه شبکه
۰/۰۰۰	-۵/۳۵	۲/۶۸	۱/۶۳	اعضای نزدیک خانواده	
۰/۴۱۱	۰/۸۲۳	۱/۱۹	۱/۳۵	سایر خویشاوندان	
۰/۰۲۴	۲/۲۶	۱/۳۵	۱/۸۱	دوستان	
۰/۸۶۹	-۰/۱۶۵	۰/۲۶	۰/۲۵	همسایگان	
۰/۲۶۶	-۱/۱۱۲	۰/۳۲	۰/۲۲	همکاران و افراد هم-دانشگاهی	
۰/۲۹۹	-۱/۰۳۹	۰/۱۰	۰/۰۳	دوستان مجازی	
۱۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۱۳	۰/۱۳	افرادی در سازمان‌ها	
۰/۵۳۴	۰/۶۲۲	۰/۱۴	۰/۱۸	سایر افراد	
۰/۵۶۱	-۰/۵۸۲	۷/۹۷	۷/۷۳	کل	
۰/۰۳۹	-۲/۰۶۴	۳۳/۲۶	۲۸/۲۸	کل بعد ساختی	
۰/۰۰۰	۴/۱۰	۴/۱۵	۱۲/۳۸	تراکم شبکه	
۰/۰۵۵	-۱/۹۱۹	۶/۶۹	۶/۰۷	ناهمگنی قومیتی	
۰/۵۰۸	۰/۶۶۳	۳۸/۳۹	۴۲/۱۳	ناهمگنی جنسیتی	

در بُعد تعاملی شبکه، آزمون تی برای فراوانی تعاملات با مقدار ($T = -0/509$; $P < 0/05$) نشان می‌دهد که تفاوت میانگین نمرات جوانان ($M = -11/32$) و بزرگسالان ($M = 11/69$) به لحاظ

آماري معنادار نيست. همچنين، ميانگين صميميت و نزديكي با توجه به آزمون تي با مقدار ($1/074$) $T=$ ؛ $P<0/05$) نشان مي‌دهد كه تفاوت ميانگين نمرات جوانان ($M=7/98$) و بزرگسالان ($7/46$) $M=$ به لحاظ آماري معنادار نيست (جدول ۷).

جدول شماره‌ی هفت- جدول آزمون تفاوت شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی (بعد تعاملی) بين دو نسل جوان و

بزرگسالان

بعد تعاملی نسل		فراواني تعاملات	صميميت و نزديكي	كل بعد تعاملی
ميانگين	جوان	۱۱/۳۲	۷/۹۸	۱۹/۳۱
	بزرگسالان	۱۱/۶۹	۷/۴۶	۱۹/۱۵
T مقدار		-۰/۵۰۹	۱/۰۷۴	۰/۱۳۵
سطح معنی‌داري		۰/۶۱۱	۰/۲۸۳	۰/۸۹۲

آزمون تي نشان مي‌دهد كه تفاوت ميانگين حمايت دريافت‌شده از شبکه‌ی دوستان، همسايگان، همكاران يا افراد هم‌مدرسه/دانش‌گاهي و دوستان مجازي معنادار است. تفاوت ميانگين‌هاي حمايت دريافت‌شده از شبکه‌ی دوستان، براي جوانان ($M= 1/62$) و براي بزرگسالان ($M= 0/810$) با مقدار ($T= 6/55$ ؛ $P<0/001$) به لحاظ آماري معنادار است. تفاوت ميانگين‌هاي حمايت دريافت‌شده از شبکه‌ی همسايگان، براي جوانان ($M= 0/150$) و براي بزرگسالان ($M= 0/076$) با مقدار ($T= 2/202$ ؛ $P<0/05$) معنادار است. تفاوت ميانگين‌هاي حمايت دريافت‌شده از شبکه‌ی همكاران، براي جوانان ($M= 0/460$) و براي بزرگسالان ($0/306$) $M=$ با مقدار ($T= 2/02$ ؛ $P<0/05$) معنادار است. تفاوت ميانگين‌هاي حمايت دريافت‌شده از شبکه‌ی دوستان مجازي نيز براي جوانان ($M= 0/203$) و براي بزرگسالان ($M= 0/106$) با مقدار ($T= 2/50$ ؛ $P<0/05$) به لحاظ آماري معنادار است. ميانگين كل شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی گرچه معنادار نيست، اما ملاحظه مي‌شود كه شبکه‌ی جوانان و بزرگسالان در دو بعد ساختي و کارکردي تفاوت معناداري دارد (جدول ۸).

جدول شماره‌ی هشت- جدول آزمون تفاوت شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی (بعد کارکردی و کل) بین دو نسل

جوان و بزرگسالان

کل شبکه- ی گفت- وگوی مرکزی	کل بعد کارکردی	حمایت دریافت‌شده از شبکه									بعد کارکردی	
		سایر افراد	افراد در سازمان‌ها	دوستان مجازی	همکاران و افراد هم‌دانشگاهی	همسایگان	دوستان	سایر خویشاوندان	اعضای نزدیک خانواده	افراد درون یک منزل	نسل	
۸۸/۵۷	۸/۴۵	۰/۳۲۳	۰/۳۴۳	۰/۲۰۳	۰/۴۶۰	۰/۱۵۰	۱/۶۲	۰/۵۳۰	۱/۹۳	۳/۴۶	جوان	میانگین
۸۶/۲۴	۸/۴۶	۰/۲۴۳	۰/۳۰۰	۰/۱۰۶	۰/۳۰۶	۰/۰۷۶	۰/۸۱۰	۰/۴۶۰	۲/۰۷	۳/۴۰	بزرگسالان	
۰/۶۰۶	-۰/۰۲۷	۱/۵۶	۰/۸۶۲	۲/۵۰	۲/۰۲	۲/۲۰۲	۶/۵۵	۰/۸۷۰	-۰/۸۹۷	۰/۴۲۰	T مقدار	
۰/۵۴۵	۰/۹۷۸	۰/۱۱۸	۰/۳۸۹	۰/۰۱۲	۰/۰۴۴	۰/۰۲۸	۰/۰۰۰	۰/۳۸۵	۰/۳۷۰	۰/۶۷۵	سطح معنی‌داری	

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه‌ی حاضر، با هدف توصیف شبکه‌ی اجتماعی افراد دو نسل جوان و بزرگسالان صورت گرفت. یافته‌های توصیفی مطالعه‌ی حاضر نشان داد که از نظر بعد ساختی، شبکه‌ی هر دو نسل جوان و بزرگسالان ترکیبی از افراد درون منزل، اعضای نزدیک خانواده، سایر خویشاوندان، دوستان، همسایگان، همکاران، دوستان مجازی، افراد سازمان‌ها و تشکلهای و سایر افراد است. شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی جوانان، کوچک‌تر از بزرگسالان است. تراکم شبکه‌ی آن‌ها نیز در مقایسه با بزرگسالان کم‌تر است. ناهمگنی جنسیتی و ناهمگنی قومیتی در شبکه‌ی آن‌ها به ترتیب کم‌تر و بیش‌تر از شبکه‌ی بزرگسالان است. تعاملات جوانان با اعضای شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی‌شان کم‌تر از بزرگسالان و لی صمیمیتشان بیش‌تر از آن‌هاست.

یافته‌های استنباطی نشان داد که از بین گروه‌های ۹ گانه‌ی عضو شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی، تنها تفاوت تعداد اعضای نزدیک خانواده و دوستان بین جوانان و بزرگسالان معنادار است و حاکی از یک الگوی اجتماعی است که براساس آن می‌توان گفت شبکه‌ی اعضای نزدیک خانواده- ی بزرگسالان گسترده‌تر از جوانان و شبکه‌ی دوستان جوانان، گسترده‌تر از بزرگسالان است. ناهمگنی جنسیتی و قومیتی نیز همان تفاوت‌های بخش توصیفی را به لحاظ آماری تأیید نمود.

تفاوت‌های مربوط به بعد تعاملی شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی جوانان و بزرگسالان معنادار نبود. با مشاهده‌ی تفاوت میانگین‌هایی که به لحاظ آماری معنادار است می‌توان گفت که حمایت اجتماعی دریافتی جوانان بیش‌تر از بزرگسالان می‌باشد. در مجموع نیز شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی جوانان و بزرگسالان در دو بعد ساختی و کارکردی تفاوت معناداری دارد.

در تحلیل شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی جوانان و بزرگسالان شهر شیراز باید گفت بزرگسالان تعداد بیش‌تری از افراد را عضو شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی خود می‌دانند؛ بزرگسالان شبکه‌ی اجتماعی پایدارتری دارند و از این رو شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی‌شان بزرگ‌تر است. ناپایداری شبکه‌ی جوانان به دلیل سنی که در آن قرار دارند و افرادی که با آن‌ها در ارتباط هستند، منجر می‌شود که تعداد افرادی که می‌توانند در شبکه خود برشمارند، کم‌تر باشند. نتایج مطالعه‌ی موسوی و حدادی (۱۳۹۰) نیز نشان‌دهنده‌ی این است که سرمایه‌ی اجتماعی جوانان کم‌تر از حد متوسط است و مؤید نتیجه‌ی مطالعه حاضر است.

تعداد دوستان جوانان و تعداد اعضای نزدیک خانواده در شبکه‌ی بزرگسالان بیش‌تر می‌باشد و درواقع، شبکه‌ی جوانان بیش‌تر به سمت شبکه‌ی غیر خویشاوندی تمایل دارد. مطالعه ولمن و همکاران (۲۰۰۶) نیز نشان‌دهنده‌ی گستردگی شبکه‌ی دوستان می‌باشد. مطالعه چنگ^۱ و همکاران (۲۰۱۵) و فانگ^۲ و همکاران (۲۰۰۱) نیز مؤید کوچک‌تر بودن شبکه‌ی دوستان بزرگسالان در مقایسه با جوانان است. جوانان تمایل بیش‌تری به برقراری ارتباط با دوستان دارند، حال آن‌که بزرگسالان با اعضای نزدیک خانواده بیش‌تر ارتباط دارند. از آنجایی که منظور از اعضای نزدیک خانواده، آن دسته از خویشاوندانی است که نسبت فامیلی نزدیکی با فرد دارند، اما با او در یک منزل زندگی نمی‌کنند (مثلاً پدر و مادر برای فردی که متأهل است و زندگی مستقلی دارد)، طبیعی است که با توجه به مجرد بودن عموم جوانان (۶۷ درصد)، بیش‌تر اعضای نزدیک خانواده‌ی آن‌ها با افراد درون منزلشان یکسان باشند و به همین دلیل به‌عنوان یک گروه مستقل در نسبت با جوانان قرار نداشته باشند. در تمام طول این پژوهش، یافته‌ها نشان داد که شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی جوانان بیش از بزرگسالان به سمت فردگرایی شبکه‌ای شدن تمایل یافته است. در این‌جا نیز گسترش شبکه‌ی آنان به سمت دوستان باز هم مؤید سایر نتایج تحقیق حاضر می‌باشد؛ چراکه در

¹ Chang

² Fung

جامعه‌ی فردگرایی شبکه‌ای برخلاف جوامع پیشین، پیوندهای غیرخویشاوندی گسترش یافته و از اهمیت خاصی برخوردار می‌شوند؛ چنان‌که مثلاً در مطالعه‌ی اسمال (۲۰۱۳) دیدیم که در جامعه‌ی آمریکا که بیش‌تر از ایران فردگرایی شبکه‌ای در آن رسوخ کرده است، ۴۵ درصد از شبکه‌ی گفت-وگوی مرکزی، متشکل از افراد غیر مهم است. گرچه مطالعه‌ی حاضر نشان داد که به دلیل نقش مهم پیوندهای خانوادگی در ساختار جامعه ایران، هنوز هم بیش‌ترین درصد شبکه‌ی جوانان و نیز بزرگسالان را در شیراز افراد مهم تشکیل می‌دهند ولی همین تغییراتی که در شبکه‌ی جوانان ملاحظه می‌شود می‌تواند نشان‌دهنده‌ی تغییرات شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی در سال‌ها و نسل‌های بعد باشد.

شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی بزرگسالان اگرچه بزرگ‌تر از جوانان است، اما شبکه‌ی آن‌ها دربردارنده‌ی افرادی است که تقریباً بیشترشان یکدیگر را می‌شناسند و از همین رو تراکم شبکه‌ی بزرگسالان نیز بیش‌تر از جوانان است چراکه تعداد سال‌های آشنایی بزرگسالان احتمالاً بیش‌تر از جوانان است و از این رو، اعضای شبکه‌ای‌شان نیز ممکن است در طی این سال‌ها با یکدیگر آشنا شده باشند. تراکم شبکه به یک دلیل دیگر نیز ایجاد می‌شود و آن هم اینکه خود فرد با افرادی ارتباط داشته باشد که پیش از این با یکدیگر آشنایی داشته‌اند که در این صورت به معنای آن است که شبکه‌ی روابط بزرگسالان در مقایسه با جوانان، بسته‌تر است. حال آن‌که جوانان شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی بازتر و پراکنده‌تری دارند. پراکندگی شبکه از مشخصه‌های اساسی جامعه‌ی فردگرایی شبکه‌ای است. چراکه افراد در چنین شرایطی ضمن برقراری ارتباط می‌توانند درون شبکه‌ای از افراد متفاوت و دور و نزدیک قرار گیرند و با افرادی در تماس باشند که هیچ یک از آن‌ها یکدیگر را نمی‌شناسند.

یکی از ابعاد دیگر نتایج این مطالعه، مربوط به ناهمگنی موجود در شبکه است. در مطالعه‌ی حاضر، ۸۴ درصد از بزرگسالان متأهل هستند. تأهل دروازه‌ی ورود فرد به شبکه‌ای بین جنسیتی است. اما عموم جوانان (۶۷ درصد) این مطالعه مجرد هستند و به همین دلیل فرصت‌های مشروع کم‌تری برای روابط بین جنسیتی دارند. گرچه ممکن است دوستانی از جنس مخالف داشته باشند اما یا آن‌ها را عضو شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی خود تلقی نمی‌کنند و یا از آن روابط خود پرده برنمی‌دارند. این در حالی است که بزرگسالان بدون حساسیت‌هایی که برای جوانان وجود دارد، می‌توانند شبکه‌ای بین جنسیتی داشته باشند. ولی ناهمگنی قومیتی در میان جوانان بیش‌تر از بزرگسالان می‌باشد. این بدان معناست که ساختارهای قومیتی در نزد جوانان در حال فروکاهش

است. به تعبیر ولمن، از جمله ویژگی‌های جامعه‌ی فردگرایی شبکه‌ای همین گسترش عاملیت آزاد بین فردی است که طی آن مرزهای تفکیک افراد مثل مرزهای قومی از بین رفته و نفوذپذیرتر می‌شوند (رینی و ولمن، ۲۰۱۲: ۱۲۳).

از نظر بعد کارکردی و حمایت دریافت‌شده از شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی نیز تفاوت‌هایی در شبکه‌ی جوانان و بزرگسالان مشاهده می‌شود. در بعد ساختی شبکه دیدیم که تعداد دوستان جوانان بیش‌تر از بزرگسالان می‌باشد. اما علی‌رغم بیش‌تر بودن میانگین، تعداد همسایگان، همکاران/هم‌دانش‌گاهی‌ها و دوستان مجازی برای بزرگسالان، هیچ‌یک معنادار نبودند. هم‌اکنون در بعد کارکردی ملاحظه می‌نماییم که میزان حمایت دریافتی از سوی این سه گروه برای جوانان بیش‌تر است. این امر حاکی از آن است که حتی اگر تعداد اعضای شبکه‌ی بزرگسالان بیش‌تر باشد، نهایتاً میزان حمایت دریافتی آنان کم‌تر از جوانان است. بخشی از این امر به دلیل ماهیت جوانی است که نیازمند حمایت است و فرهنگ جامعه‌ی ایران رویکردی حمایتی به جوان دارد اما در مورد بزرگسالان انتظار می‌رود که خودشان حامی باشند و به همین دلیل حمایت اجتماعی کم‌تری دریافت می‌کنند. در مجموع مطالعه‌ی حاضر که در یکی از کلان‌شهرهای ایران به انجام رسید نشان داد که پیوندهای مردم شیراز و احتمالاً جامعه‌ی ایرانی در حال گذار از شبکه‌های سنتی به سمت شبکه‌های مدرنی است که به تعبیر ولمن، مرزهای گسستنی‌تر، ناهمگن‌تر و ابعاد گسترده‌تری دارد و روابط به سمت فردگرایی شبکه‌ای پیش می‌رود.

انجام پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی مواجه بود که به برخی از آن‌ها در این جا اشاره _ می‌شود. مهم‌ترین محدودیت این مطالعه کمبود مطالعات پیشین در این حوزه‌ی تحقیقاتی بوده است. عموم تحقیقاتی که در حوزه‌ی شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی به انجام رسیده است، روابط اجتماعی را به طور کلی مد نظر قرار داده‌اند. محدودیت دیگر این مطالعه نامأنوس بودن افراد با پاسخ‌گویی به سؤالات شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی بود. مطالعه‌ی شبکه‌ی گفت‌وگوی مرکزی افراد نیازمند کسب اطلاعاتی از نحوه و چگونگی ارتباطات افراد و افرادی که با آن‌ها در تعامل هستند، می‌باشد و این امر نه‌تنها باعث شد تا قسمت سؤالات شبکه الزاماً با مصاحبه‌ی حضوری تکمیل شود، بلکه نیازمند جلب اعتماد مضاعف پاسخ‌گویان نیز بود.

منابع

۱. بابائی، محبوبه و لیلا ژاله عبداللهی (۱۳۹۷) «رابطه‌ی بین شبکه‌ی پیوندهای اجتماعی غیر رسمی و سلامت روان (مورد مطالعه: مقایسه‌ی زنان و مردان شاغل در شرکت ایران ترانسفو زنجان)»، *مطالعات علوم اجتماعی ایران*، شماره‌ی ۵۶: ۳۷-۱۹.
۲. باستانی، سوسن (۱۳۸۷) «بررسی سرمایه‌ی اجتماعی شبکه در ۱۰ محله‌ی تهران: بررسی جایگاه روابط محلی در شبکه‌های اجتماعی»، *مطالعات اجتماعی ایران*، شماره‌ی ۴: ۷۴-۵۵.
۳. باستانی، سوسن و مریم صالحی هیکویی (۱۳۸۶) «سرمایه‌ی اجتماعی شبکه و جنسیت: بررسی ویژگی‌های ساختی، تعاملی و کارکردی شبکه‌ی اجتماعی زنان و مردان در تهران»، *مطالعات جامعه‌شناختی*، شماره‌ی ۳۰: ۹۶-۶۳.
۴. عباسی شوازی، محمدتقی و پوریا همایون (۱۳۹۵) «رسانه‌های اجتماعی و روابط اجتماعی: مطالعه‌ی رابطه‌ی استفاده از تکنولوژی‌های نوین ارتباطی با انزوای اجتماعی»، *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، شماره‌ی ۳۰: ۶۶-۴۳.
۵. محمدنیاپی بایگی، زهره (۱۳۸۶) «بررسی ویژگی‌های شبکه‌ی اجتماعی دانش‌جویان (مطالعه‌ی موردی دانش‌جویان سال آخر کارشناسی دانش‌گاه مازندران)»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانش‌کده‌ی علوم انسانی و اجتماعی، دانش‌گاه مازندران.
۶. موسوی، کمال الدین و فریده حدادی (۱۳۹۰) «تحلیل مقایسه‌ای سرمایه‌ی اجتماعی در جهان واقعی و در جهان مجازی: با تأکید بر جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله‌ی مراجعه‌کننده به کافی‌نت‌ها در شهر اصفهان (سال ۱۳۹۰)»، *مجله‌ی جهانی رسانه*، شماره‌ی ۱۲: ۱۲۹-۱۱۰.
7. Bastani, S. (2001) «**Middle class community in Tehran: Social networks, social support and marital relationships**», Doctoral dissertation in sociology, Toronto University.
8. Burt, R. S. (1980) «Models of network structure», **Annual review of sociology**, 6, 79-141.
9. Chang, P. F.; Choi, Y .H.; Bazarova, N .N.; Löckenhoff, C .E. (2015) «Age Differences in Online Social Networking: Extending Socioemotional Selectivity Theory to Social Network Sites», **Journal of Broadcasting & Electronic Media**, 59, 2, 221-239.
10. Chen, W. (2013) «Internet Use, Online Communication, and Ties in Americans' Networks», **Social Science Computer Review**, 31, 4, 404-423.

11. Dolapo Somefun, Oluwaseyi; Simo Fotso, Arlette (2020) «The effect of family and neighbourhood social capital on youth mental health in South Africa», **Journal of Adolescence**, 83, 22-26.
12. Fischer, C. S. (2009) «The 2004 GSS finding of shrunken social networks: An artifact?», **American sociological review**, 74, 657-669.
13. Fung, H .H.; Carstensen, L .L.; Lang, F .R. (2001) «Age-related patterns in social networks among European Americans and African Americans: Implications for socioemotional selectivity across the life span», **Aging and human development**, 52, 3, 185-206.
14. Hampton, K .N.; Ling, R .(2013) «Explaining communication displacement and large-scale social change in core networks: A cross-national comparison of why bigger is not better and less can mean more», **Information, Communication & Society**, 16, 4, 561-589. Hampton, K. N.; Sessions, L. F.; Ja Her, E. (2011) «Core networks, social isolation, and new media», **Information, Communication & Society**, 14, 1, 130-155.
15. Israel, B .A.; Antonucci, T. (1987) «Social network characteristics and psychological well-being: Areplication and extension», **Health education Quarterly**, 14, 4, 461-481.
16. Manago, A. M.; Taylor, T.; Greenfield, P. M. (2012) «Me and My 400 Friends: The Anatomy of College Students' Facebook Networks, Their Communication Patterns, and Well-Being »» **Developmental Psychology**, 48, 2, 369-380.
17. McPherson, M.; Smith-Lovin, L.; Brashears, M .E. (2006). «Social Isolation in America», **American Sociological Review**, 71, 3, 353-375.
18. Rainie, L. & Wellman, B . (2012). **Networked**. London: The MIT press.
19. Small, M .L. (2013) «Weak ties and the core discussion network: Why people regularly discuss important matters with unimportant alters». **Social Networks**, 35, 470-483.
20. Small, M .L., PAMPHILE, V. & McMahan, P. (2015) «How stable is the core discussion network?», **Social Networks**, 35, 90-102.
21. Tubergen, F .V .(2014) «Size and socio-economic resources of core discussion networks in the Netherlands: differences by national-origin group and immigrant generation». **Journal of Ethnic and Racial Studies**, 37,6, 1020-1042.
22. Tubergen, F .V .(2015) «Ethnic Boundaries in Core Discussion Networks: A Multilevel Social Network Study of Turks and Moroccans in the Netherlands». **Journal of Ethnic and Migration Studies**, 41, 101-116.
23. Wellman, B. (1983) «Network analysis: Some basic principles». **Sociological theory**, 1, 155-200.

24. Wellman, B.; Boas, J.; Chen, W. (2002) «The networked nature of community: online and offline», **IT & Society**, 1, 1, 151-165.

25. Wellman, B.; Hogan, B.; Berg K.; Boase, J. Carrasco, J.; Antonio, C.; Rochelle., K .J.; Kennedy T. L.M.; Tran, P. (2006) «Connected Lives: The Project». In P.P. Guildford(ed) **Networked Neighbourhoods: The Online Community in Context**, (pp. 157-211). UK: Springer.